



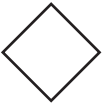
سالنامه پژوهشی نبأ

سال اول - شماره یک - ۱۳۹۸

مقاله ششم:

سنت اقرء و اجازات؛ ضعف ما و قوت ما، باید ما و نباید ما

حیدر کسمایی و محمدامیر کسمایی



سنت اقرء و اجازات

کلیات، نقاط ضعف و قوت، بایدها و نبایدها

حیدر کسمائی^۱

محمدامیر کسمائی^۲

چکیده

سنت «اقرء» از اصیل‌ترین روش‌های آموزش قرآن است که خاستگاهی از زمان حضرت رسول اکرم (ص) دارد. البته اگرچه جنبه لفظی و اتقان قرائت مورد تأکید بوده؛ اما تأکید مکرر آن حضرت و اهل بیت (ع) بر جنبه‌های معنوی قرآن کریم همواره بیش از جنبه لفظی بوده است. همراه با سنت اقرء، «اجازات» نیز به وجود آمد که نوعی گواهی صحت اقرء و ترخیص تعلیم قرآن بود که از دوران پیامبر (ص) آغاز شده، تا حدود قرن سوم به صورت شفاهی مرسوم بود؛ اما از آن پس، با ظهور اجازات کتبی در حدیث، اجازات اقرء نیز به صورت کتبی متداول شد. در طول تاریخ، سنت اقرء نزد مسلمانان جایگاه والا و مقدسی داشت؛ ولی مانند اکثر سنت‌های مشابه، دچار فراز و نشیب و قوت و ضعف‌هایی شده است. اقرء در ایران برخلاف سابقه درخشان‌اش، در چند سده‌ی اخیر رو به فراموشی رفت و در چند سال اخیر مجدداً احیا شد. ضرورت پرداختن به این سنت برای تقویت توجه به آموزش اصولی و صحیح قرآن کریم ایجاب می‌کند که آسیب‌شناسی دقیقی از آن صورت پذیرد. مطالعات این مقاله، نقاط تأکید بر این سنت را با ارائه پیشنهاداتی برای برطرف کردن برخی آسیب‌های فعلی آن و ساختارسازی مناسب در تقویت آن را ارائه کرده است و در نهایت، آن را به‌عنوان بهترین روش آموزش فراگیر و صحیح قرآن کریم و اعتباریابی در میان قاریان جهان اسلام در زمان حاضر نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: اقرء، اجازه، قرائت، قاری، مقرئ، مجیز، اِشهار.

kasmaei.h@gmail.com

makasmaei@gmail.com

۱. مدرس دانشگاه جامعه الزهراء (س)، و دانشگاه مجازی المصطفی (ص)

۲. دانشجوی دکتری تفسیر قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

قرآن کریم معجزه جاودان حضرت ختمی مرتبت (ص) از بدو نزول مورد عنایت خاص آن حضرت و پیروان‌شان بوده است. این توجه علاوه بر مفاهیم و محتوا، در قرائت و تلاوت آیات نیز جریان داشت. در همین راستا محافظت از الفاظ آیات قرآن کریم، در اولویت جامعه اسلامی بود. این مهم، ریشه در نصوص قرآنی دارد؛ از جمله: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹). این اطمینان قرآنی، نه تنها مسلمانان را از دقت و تلاش در این مسیر متوقف نکرد، بلکه سبب اهتمام دوچندان آنان شد به طوری که هیچ مسأله دیگری مانند قرآن کریم و قرائت صحیح‌اش، مورد توجه عامه مسلمانان قرار نگرفت.

به همین سبب، امت اسلامی از صدر اسلام به مسأله «اقراء» قرآن کریم و «اجازه» قرائت همت گماشت و به مرور، آن را به تکامل رساند. اهمیت والای قرآن کریم و صحیح خواندن‌اش، مسلمانان را بر آن داشت که قرائت صحیح قرآن را سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعد منتقل کنند. در این راستا هر یک از واسطه‌ها که قرائت صحیح را از استاد یا اساتید خود فرا گرفته بود، آن را به شاگردان خود می‌آموخت. جایگاه رفیع قرآن کریم در شریعت اسلام و اهمیت قرائت صحیح و آموزش آن، علاوه بر انعکاس در آیات قرآنی نظیر «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً» (مزمّل: ۴) و «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» (بقره: ۱۲۱)؛ در روایات معصومان (ع) از آن جمله روایت شریف نبوی (ص) «خِيَارُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۶۷، ح ۷۶۴۱): بهترین شما کسی است که قرآن را فرا گرفته و آن را فرا دهد؛ نیز مورد تأکید چندباره قرار گرفته است.

سنت اقرء با پیشینه‌ای طولانی که قرن‌ها مسأله‌ای مهم در جوامع اسلامی به حساب می‌آمد، اگرچه تا زمان حاضر مورد توجه و اهتمام اکثر اساتید قرآن و قراء جهان اسلام، خصوصاً کشورهای عربی است؛ برای سال‌ها در کشور ما فراموش شده بود. احیای مجدد سنت اقرء در کشور، به بررسی موشکافانه و مطالعه دقیق زوایای آن وابسته است. سعی بر پیش‌گیری از اشکالات و تصحیح نقاط ضعف در اجرای این سنت و تلاش برای دستیابی به نقاط قوت و تقویت آن‌ها، می‌تواند جریان قرآنی کشور را در مسیر صحیح و همگام با جهان اسلام پیش ببرد.

در این مقاله پس از بیان پیشینه و ضرورت موضوع و نکاتی در این خصوص، به بیان دقیق

تعاریف پرداخته و نقد و بررسی سنت اقرء و اجازات صورت می‌گیرد؛ سپس نقاط ضعف همراه با بیان راه‌حل‌های مقابله با آن و قوت‌های آن اشاره خواهد شد. در ادامه نیز سیاست‌های کلی و ضوابط پیشنهادی برای اجرای مطلوب این سنت در کشور مطرح می‌شود.

پیشینه

پیشینه اقرء را می‌توان در چند مرحله تاریخی مرتبط با علم قرائات، جستجو کرد. مرحله اول، نزول و جمع قرآن است.

این مرحله در محدوده زمانی زندگی پیامبر(ص) و خلیفه‌های اول و دوم قرار دارد. مرحله دوم، دوره خلیفه سوم است که به توحید مصاحف و اعزام مبلغان خاص به مراکز مهم اسلامی انجامید. مرحله سوم، نیمه دوم قرن نخست است که دوره بروز مکاتب اقرائی و مقریان متخصص است که در سراسر قلمرو اسلامی منتشر شدند. مرحله چهارم در قرن دوم هجری رخ داد؛ دوره اوج و بروز مکاتب مختلف اقرائی و رقابت شدید آن‌ها با یکدیگر، تا جایی که مرحله پنجم در قرن سوم، مکاتب اقرائی، گستردگی فراوان یافت و منجر به ظهور علم قرائات گردید. در مرحله ششم مربوط به قرن چهارم، با هدف کنترل این گستردگی و اختلاف در قرائت، آن‌ها را به هفت قرائت محدود کردند. مرحله هفتم که از قرن پنجم آغاز می‌شود، دوره استقرار و گسترش قرائات سبع به وسیله برخی علما از جمله ابو عمرو دانی و شاطبی بود. مرحله هشتم و آخر نیز قرن نهم به بعد است که قرائات ثلاثه‌ی متمم عشره (قرائات ابو جعفر مدنی، یعقوب حضرمی و خلف العاشر) تعیین شدند و این جزری علم قرائات را به تکامل رساند (رک: فضلی، القراءات القرآنیة، ص ۲۵).

در کشورهای عربی بحث و بررسی‌های متنوعی با موضوع اقرء و اجازات صورت گرفته است و در نتیجه تألیفاتی به انتشار رسیده‌اند؛ از جمله کتاب «اقرء القرآن کریم» نوشته «دخیل عبد الله دخیل» که در عربستان چاپ شده است. با این حال در کشور ما پژوهش کامل ناظر به موضوع، شکل نگرفته جز مقاله‌ای کوتاه با عنوان «درآمدی بر اقرء و اجازات» از دکتر حمیدرضا مستفید در معرفی این سنت نگاشته‌اند.

ضرورت موضوع

اگرچه از ضرورت‌های به وجود آمدن سنت اقرء و اجازات، صیانت و حفظ قرآن کریم از تغییر و تحریف بوده است؛ اما ضرورت دیگر آن، آموزش قرآن به صورت عملی و کامل است. اقرء قرآن کریم، بهترین، کامل‌ترین، مطمئن‌ترین و قدیمی‌ترین روش آموزش قرائت قرآن است و از زمان رسول اکرم (ص) آغاز و، به تدریج، به سنتی مهم و موفق تبدیل گردید. در حال حاضر می‌توان با گذراندن چند دوره آموزشی (روخوانی و تجوید)، قرائت قرآن را به صورت نظری آموزش داد؛ اما قرائت کامل قرآن کریم برای استاد و شنیدن قرائت صحیح از او، همچنین یادگیری تمام امور مرتبط با تلاوت، اعم از صحت و فصاحت همراه با اتقان روایت و طرق، قطعاً تعلیمی جامع و کامل است که نمی‌توان آن را با آموزش‌های متداول عصر حاضر مقایسه کرد.

استاد محمد فهمی عصفور در این رابطه می‌گوید: «این شبهه درحقیقت مغالطه‌ای بیش نیست؛ این ما نیستیم که قرآن را حفظ می‌کنیم، بلکه این قرآن است که ما را حفظ می‌کند» (فایل صوتی). لذا اقرء از این نگاه بسیار مفید و ضروری است و امتیازات دیگری را نیز در پی دارد که در ادامه مقاله بیان خواهد شد.

تعاریف

- اقرء

ریشه «ق رء» در مصدر ثلاثی مجرد، «قراءه» است که به معنای خواندن یا پی‌گرفتن کلمات در نظر و نطق آنهاست (ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۳۶۰). اما «اقرء» مصدر باب «إفعال» است که هجده معنا و غرض برای آن ذکر شده است (حملاوی، شذالعرف فی فن الصرف، صص ۲۹-۳۰)؛ اما از بین آنها، معانی «تعدیه»، «تعریض» یا «اعانه» برای اقرء محتمل هستند. در این صورت می‌توان معنای آن را «به سخن درآوردن» یا «خوانا کردن» دانست.

«اقرء» در اصطلاح قرآنی قدیم، به معنای آموزش قرآن است. می‌گویند: «أقرأه القرآن» یعنی به او قرائت قرآن را آموخت که این آموزش همراه با خواندن و خوانا کردن است. اصطلاح «اقرء»، اما در عصر اخیر نزد قاریان آن است که قرآن خوانده شود (غالباً با هدف آموزشی)؛ چه به صورت

تلاوت پیوسته (برای استاد) و چه به صورت «اداء»^۱ که از اساتید خود بیاموزد و بخواند (تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۳، ص ۴۸۱).

این معنایی است که امروزه در همه جوامع اسلامی پذیرفته شده، اما این واژه در فرهنگ قرآن کریم و در بیان رسول اکرم(ص) دارای معنای گسترده تری است. علامه عسکری معتقد است در زمان پیامبر(ص) و تا چند سال بعد از ایشان، «اقرء» به معنای آموزش قرائت الفاظ قرآن همراه با تعلیم معنای آن‌ها بوده است. لذا «مقری» به کسی اطلاق می‌شد که قرائت الفاظ قرآن را در کنار معنای آن‌ها آموزش می‌داد (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۱، ص ۲۹۰). از جمله دلایل ایشان برای این ادعا بعضی از وقایع تاریخی است که نشان می‌دهد قصد صحابه از اقرء، تعلیم و تعلم قرائت در کنار یادگیری معنای آن بود؛ چنانچه بعضی از صحابه، که اگر چه خود می‌توانستند قرآن را قرائت کنند، اما نزد بعضی دیگر مانند ابن عباس اقرء می‌کردند. این نشان از آن دارد که آن‌ها به دنبال یادگیری معنای آیات بوده‌اند. واژه «اقرء» در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته است: «سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تَنْسَى» (اعلی: ۶). هنگامی که حضرت رسول(ص) از طریق وحی تلاوت لفظ قرآن را فرا می‌گرفت، معنای آیات و آنچه تعلیم جبرئیل را لازم داشت همراه آن بود؛ از جمله آموزش وضو، نماز، روزه و...؛ لذا معنای اقرء فراتر از آموزش منحصر به قرائت الفاظ است (پیشین، ص ۲۹۳). این معنا زمانی تغییر یافت که بعد از رحلت پیامبر(ص) شعار تجرید قرآن از حدیث را سر دادند. آن‌ها نسخه‌ای از قرآن را که خالی از کلام پیامبر(ص) بود نگاشتند و آن را بین مسلمانان منتشر کردند. همچنین همه مصاحف صحابه را که شامل مطالبی برگرفته از حضرت رسول(ص) در شرح و بیان برخی از معنای و شأن نزول آیات بود از بین بردند (پیشین، ص ۲۹۷). نتیجه این تلاش‌ها آن بود که اقرء قرآن کریم تنها ناظر به آموزش الفاظ قرآن و فارغ از معنای و مفهوم آن شد.

در مجموع ظاهراً اصطلاح «اقرء» در فرآیند زمان و عصرها، معنای گوناگون داشته است. در ابتدا به معنای بسیط آن، یعنی «آموزش خواندن قرآن» بود، در زمانی دیگر به معنای «حفظ قرآن» در آمد، بعدها به عنوان حفظ قرآن به یک یا چند روایت و قرائت تحت اشراف مشایخ اقرء اطلاق شد.

۱. اداء در لغت به معنای دریافت است؛ اما در علم قرائات به معنای «اخذ و عرض» می‌باشد (الهدهد، مصطلحات علم القراءات، ج ۲، ص ۸۲۳).

در حال حاضر می توان اقرء را این گونه تعریف کرد: «تلاوت کلّ یا بخشی از قرآن کریم به صورت حفظ یا از رو، به یک یا چند طریق یا روایت یا قرائت، بر شیخ دارای اجازه و سند معتبر اقرء، به صورت جمع یا افراد، همراه با رعایت کامل تجوید و وقف و ابتدا و با هدف اخذ اجازه قرائت».

- اجازه

«اجازه» از ریشه «ج و ز» و مصدر فعل «أجاز» است. دو معنا برای این ریشه ذکر شده است: وسط چیزی زیرا جوز هر چیز، وسط آن است. به گوسفندی که وسطش سفید رنگ باشد، «جوزاء» گویند. همچنین «جوزاء» اسم ستاره پرنور وسط آسمان است. معنای دیگر سیر کردن و پیمودن است. «جُزّت الموضع» یعنی از آن عبور کرده و آن را پیمودم (ابن فارس، مقایس اللغه، ج ۱، ص ۴۳۹). «اجازه» در اصطلاح علم قرائت، به معنای مجوزی است که توسط شیخ اجازه (مقری و مجیز) به یک قاری (مجاز) پس از اطمینان از اتقان او، داده می شود که نشان از تطابق قرائت او بر قواعد صحیح قرائت، روایات یا طریق دارد و به وسیله آن، رخصت قرائت یا اقرء به دیگران را می یابد (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۷۳).

- قاری و مقری

«قاری» اسم فاعل از فعل «قرأ» می باشد، یعنی «خواننده». اما در اصطلاح، این گونه تعریف شده است: «کسی که طالب یادگیری قرآن است و به فراگیری و تلقی آن از استاد رغبت دارد» (دخیل، اقرء القرآن الکریم، ص ۱۷). سپس آن را به دو قسم «مبتدی» و «منتهی» تقسیم می کنند: «مبتدی» کسی است که شروع به اقرء قرائت می کند تا سه قرائت را یاد گیرد؛ «منتهی» کسی است که اکثر قرائت مشهور را یاد گرفته است (ابن جزری، منجد المقرئین و مرشد الطالبین، ص ۹). هر چند «قاری» در حال حاضر، کسی است که قرآن کریم را با صدای خوش و رعایت قواعد تلاوت می کند؛ اما در اصطلاح اقرء، کسی است که کل قرآن را بر استادش (مقری) می خواند و نکات لازم را دریافت کرده تا به اجازه قرائت دست یابد.

«مقری» در تعریف علمای قرائت، کسی است که عالم به قرائت بوده و آن ها را به صورت مشافهه با سند متصل به رسول اکرم (ص) از مشایخ خود روایت کرده باشد (دخیل، پیشین).

- مشافهه

«مشافهه» از ریشه «ش ف ه» است که به باب مفاعله رفته است. در اصطلاح به معنای رودررویی بین شیخ و شاگرد در هنگام اقرار است؛ یعنی استاد، قرائت را مستقیم از شاگرد بشنود یا بالعکس (نویری، شرح طَبِیَّةُ النُّشْرِ، ص ۴۲).

- شیخ اجازات (مجیز)

استادی که دارای اجازه اقرار با سند متصل به رسول الله (ص) باشد (دخیل، پیشین، ص ۱۵۱).

- مجیز و مجاز

«مجیز» همان شیخ اجازات است که بعد از اقرار شاگردان خود، به آن‌ها اجازه اقرار اعطا می‌کند. «مجاز» کسی است که بعد از اقرار بر شیخ اجازات، اجازه اقرار را دریافت می‌کند (عرباوی، شرح الجزریه لخالده الازهری، ص ۲۲۲).

- سند و علو سند (برتری سند)

مقصود از «سند» سلسله روایتی هستند که بین مقری و پیامبر (ص) قرار می‌گیرند. هرچه تعداد این روایات کمتر باشد، دلیل بر «علو» یا بلندمرتگی آن است؛ البته اشخاص موجود در سند نیز مهم هستند. اعتبار و جایگاه آن‌ها به تقویت سند کمک می‌کند (پیشین).

- مَشِيخَة (مشيخة الاقراء)

جمعی از بزرگان اصحاب اجازات و اساتید اقرار یک منطقه را «مشيخة» می‌نامند و بالاترین مرجع اقرار و اعطای اجازات در منطقه هستند؛ مثلاً به مجموعه شیوخ اجازات در شام، «مشيخة اقرار الشام» می‌گویند. معمولاً اجازات شیوخ هر منطقه باید زیر نظر آنان تأیید شود (موسسه المتدی الاسلامی، المدارس و الکتاتب القرآنیة، ص ۱۲).

- مُصَحَفِيّ

«مصحفی» به قاری‌ای اطلاق می‌شود که خود را فقط شاگرد مصحف (کتاب قرآن کریم) دانسته

و بر شیخ مجیز اقرء نکرده باشد، یا بر استادی اقرء کرده باشد که صاحب اجازه نیست (عرباوی، پیشین، ص ۲۲۱).

- خاستگاه و تطور اقرء

خاستگاه اقرء را آموزش‌های حضرت رسول (ص) می‌دانند. بعضی از اهل سنت عقیده دارند که پیامبر (ص) قرآن را در مرحله اول از فرشته وحی شنیده و تلقی کردند: «وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» (شعراء: ۱۹۲-۱۹۳)؛ در مرحله بعد قرآن را به فرشته وحی عرضه کردند (بخاری، الصحيح، ج ۱۱، ص ۳۴۶، ح ۳۲۲۰).^۱ سنت اقرء از آموزش پیامبر (ص) به صحابه آغاز می‌شود. آن‌ها آیات وحی را از رسول الله (ص) می‌شنیدند و نحوه قرائت و تفسیرش را از ایشان فرا می‌گرفتند. از ابو عبد الرحمن سلمی نقل شده است: «آن یاران پیامبر اکرم (ص) که اقرء ما بر آنان بود نقل کرده‌اند که ده آیه از رسول خدا فرامی‌گرفتند و تا از نظر علمی و عملی، آن ده آیه را یاد نمی‌گرفتند، ده آیه بعدی را از آن حضرت اخذ نمی‌کردند» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۶). مانند این نقل از دیگر صحابه و تابعین نیز نقل شده است. در همین باره روایتی نقل شده است که پیامبر (ص) به دستور الهی، قرآن را برای ابی بن کعب بخواند (بخاری، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۱۸، ح ۳۸۰۹). از طفیل فرزند ابی می‌پرسند: منظور پدرت از این قرائت رسول الله (ص) چه بود؟ او از قول پدرش می‌گوید: مقصود قرائت پیامبر (ص) بر پدرش، آن است که ابی او را تقلید کند و در پی ایشان بخواند (ابن مجاهد، السبعة فی القراءات، ص ۵۵).

شیعه بر این باور است که رسول خدا (ص) قرآن کریم را در تمام ابعاد آن، اعم از قرائت و تفسیر و تأویل اش به جانشین برحق خود، علی بن ابی طالب (ع) آموخت و ایشان این علم را به ائمه بعد از خود منتقل فرمود تا به صورت جاودان در اختیار یاران‌شان قرار گیرد (مجلسی، پیشین، ج ۸۹، ص ۱۰۶). عقل نیز حکم می‌کند که پیامبر (ص) باید قرآن را به صورت کامل به جانشینان‌اش تعلیم داده باشد تا جاودانگی‌اش دچار خدشه نشود.

بنابر این می‌توان گفت قرآن کریم توسط اهل بیت (ع) و صحابه از پیامبر (ص) آموخته و به تابعین

۱. این حدیث در منابع معتبر شیعه وجود ندارد؛ اما در برخی منابع از جمله بحار الانوار به صورت ضعیف و از مصادر اهل سنت نقل شده است.

منتقل شد؛ سپس آنان به اتباع خود آموختند و به همین منوال ادامه یافت. حرص و اهتمام مردم به کلام الله، باعث ایجاد این شیوه در آموزش قرآن کریم شد؛ شیوه‌ای که قرن‌ها ادامه پیدا کرد و از نسلی به نسل دیگر منتقل شد.

قرائت قرآن از نگاه مکتب اهل بیت (ع)

دیدگاه ائمه اطهار (ع) نسبت به مسأله اقرء و قرائت و گستردگی آن در جامعه اسلامی متفاوت بود؛ آن حضرات (ع) بعد از رحلت پیامبر (ص) رسالت پیشوایی و هدایت مردم را به عهده داشتند؛ لذا قطعاً صیانت از قرآن کریم و تلاوت صحیح آن نیز جزو وظایف و اهتمامات ایشان بوده است. اختلاف قرائت که در آن دوره رواج یافته بود، با دست‌آویز قرار دادن روایت «إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَيَّ سَبْعَةَ أَحْرَفٍ فَاقْرَأُوا مِنْهُ مَا تَيَسَّرَ» (بخاری، پیشین، ج ۹، ص ۵۰، ح ۲۴۱۹) توجیه می‌شد. ائمه اطهار (ع) تأکید داشتند که اگر اختلافی در قرائت باشد از طرف راویان است نه خدا؛ زیرا قرآن یکی است و از طرف خدای یکتا نازل شده است. فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «به امام صادق (ع) گفتم: مردم می‌گویند: قرآن به هفت حرف نازل شده است؟ فرمود: دروغ می‌گویند دشمنان خدا؛ ولی آن بر یک حرف نازل شده است» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۰).

ائمه هدی (ع) همچنین بر هم‌گامی و همراهی با مردم تأکید داشتند و برای یکسان ساختن قرائت‌شان تلاش می‌کردند؛ لذا امام صادق (ع) در پاسخ به شخصی که قرآن را کمی متفاوت از مردم قرائت می‌کرد، فرمودند: «چنان قرائت کن که مردم (امروزه) قرائت می‌کنند» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۶۳۳). این دستور امام (ع) خود شاهدی بر لزوم تمرکز بر قرائت واحد و دامن نزدن به اختلاف قرائت در بین مسلمانان است.

مکاتب اقرء

پس از توحید مصاحف توسط خلیفه سوم، قاریانی همراه با مصاحف یکسان شده به شهرهای مهم قلمرو اسلامی اعزام شدند تا آن را به مردم آموزش دهند. این مسأله طی گذر زمان باعث ایجاد مکاتب اقرائی مختلفی شد؛ تا جایی که اواخر قرن اول و قرن دوم مکاتب اقرائی مهمی چون مکتب کوفه، بصره، مدینه، مکه و شام بروز یافتند، و چه بسا همین تکثیر مکاتب، باعث تشدید اختلاف در قرائت شد.

مکان‌هایی که برای اقرء در نظر گرفته شده بودند «مقرأ» و به صورت جمع «مقارئ» نامیده می‌شدند (ابراهیم مصطفی و دیگران، پیشین، ذیل واژه «مقرأة»). گزارش‌ها نشان می‌دهد که تا اوایل قرن چهارم، «مقارئ» معمولاً مساجد بودند. با مرور زمان، مدارس برای آموزش علوم اسلامی و فقه بنیان گذاشته شد که غالباً محل‌های خاصی برای اقرء نیز داشتند (الحافظ، دور القرآن بدمشق، ص ۴).

این مکان‌ها در مناطق مختلف بلاد اسلامی به اسم‌های دیگری نیز مشهور شدند؛ از جمله: «المدارس القرآنیة»، «الخلوة القرآنیة»، «الدار القرآنیة»، «الحلقات القرآنیة» (القضاء، العمل فی المراكز القرآنیة، ص ۵). مناطق مختلف اسلامی از جمله دمشق، بغداد، قاهره، قدس، کشورهای شمال آفریقا و ایران، هر یک دارای مکاتب و مدارس اقرائی بودند.

اقرء در ایران

سابقه اقرء در ایران را می‌توان همزمان با ورود اسلام دانست؛ چرا که قرآن کریم منبع اصلی اسلام و آموزش آن، جزء تعالیم اولیه و ضروری دین است. ظهور دانشمندان بزرگ اسلامی در ایران طی قرون متمادی، نشان از توجه خاص ایرانیان به قرآن کریم دارد. با این حال، شاید مهم‌ترین دوره اقرء در ایران، زمان حضور ابن جزری، دانشمند بزرگ قرائات در ایران باشد. وی، پس از فتنه تیمور در روم در ابتدای سال ۸۰۵ هـ، امیر تیمور او را از روم به ماوراء النهر برد و در شهر کَشّ منزل داد. گروهی در کَشّ و سمرقند بر او قرائت کردند که عبدالقادر بن طله رومی از آن جمله است. هم‌زمان با فوت امیر تیمور در شعبان سال ۸۰۷ هـ، او از آن‌جا خارج شد، به خراسان رفت و وارد هرات شد و کسانی مثل ابن افتخار هروی بر او قرائت کردند. سپس به شهرهای یزد، اصفهان و در نهایت به شیراز رسید. ورودش به شیراز در رمضان سال ۸۰۸ بوده است. در این میان، گروه زیادی بر او قرائت کردند؛ مثل: سید محمد بن حیدر المسجی و عبدالرحیم اصفهانی. در سال ۸۲۱ به بصره و سپس یک سال بعد در ۸۲۲ به حجاز رفت. سپس مجدداً به عراق رفت و در سال ۸۲۶ مجدداً به حجاز رفت تا حج را به‌جا آورد. آنگاه به قاهره رفت. سال بعد دوباره برای مناسک حج به حجاز رفت و آنگاه پس از دوری چند ساله در سال ۸۲۹ به شیراز بازگشت تا به ادامه کار تعلیم قرآن پردازد. وفات ابن‌الجزری در سال ۸۳۳ در شیراز بود و در دارالقرآنی که خود برپا کرده بود دفن شد و در تشییع جنازه‌اش گروه

زیادی حضور داشتند (ابن جزری، غایه النهایه، ج ۳، صص ۱۲۱۶ - ۱۲۲۰). با این حال اقراء به مرور زمان - خصوصاً در مناطق شیعه‌نشین - به فراموشی سپرده شد. این مسأله زمانی شدت گرفت که در سده‌های اخیر روایت حفص از عاصم در ایران نیز همانند بسیاری از بلاد اسلامی متداول شد. از آنجا که اقراء وابستگی زیادی به قرائات دارد، فراموش شدن قرائات بین مردم، به منسوخ شدن اقراء سرعت بخشید. آموزش قرآن کریم که تا امروز در جلسات خانگی، تکایا و مساجد به شکلی شبیه اقراء در کشور اجرا می‌شود؛ اما اقراء به صورت رسمی در چند سال اخیر، توسط شورای عالی قرآن و مرکز طبع و نشر قرآن، با دعوت از چند تن از شیوخ اقراء از کشورهای سوریه، عراق و مصر مجدداً احیا شد. این رخداد اگرچه ظاهراً برای جامعه قرآنی ما مسئله‌ای جدید به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به مطالب یاد شده، نمی‌توان آن را در ایران، نوپدید دانست؛ چراکه سابقه‌ای طولانی در تاریخ دینی کشور دارد. بررسی تاریخ اقراء در ایران اسلامی البته خود نیاز به پژوهشی مستقل دارد؛ اما می‌توان به این مقدار بسنده کرد که سنت اقراء در ایران پس از دهه‌ها توقف، مجدداً احیا شد. البته مقبولیت و بقای سنت اقراء در کشور و دستیابی به نتایج مطلوب‌اش، به نحوه برنامه‌ریزی، مدیریت و اجرای صحیح آن بدون افراط و تفریط وابسته است.

تاریخچه اجازات

اجازه قرائت به دو نوع شفاهی و کتبی تقسیم می‌شود. در زمان پیامبر(ص) اجازه از نوع شفاهی بوده است (دخیل، پیشین، ص ۱۵۲). بعضی از اصحاب از ایشان اجازه شفاهی برای قرائت قرآن داشتند؛ چنانچه بنا بر نقلی از حضرت رسول(ص) که فرمودند «تواناترین قاری امت من، اُبی است» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۹۲)؛ نشان از اجازه شفاهی ایشان به اُبی دارد.

به نظر می‌رسد اصطلاح «اجازات» از قرن سوم و هم‌زمان با شروع تألیف مصنفات علم قرائات مطرح شده باشد (دخیل، پیشین، ص ۱۵۴؛ آل اسماعیل، علم القراءات، ص ۹۸). بلکه اجازات کتبی نیز احتمالاً از همین زمان ایجاد شده‌اند؛ زیرا بعد از آمیختگی اجازات با علم قرائات، دانشمندان این عرصه بر آن بودند که از خلط قرائات، روایات و طرق جلوگیری کنند. در این راستا، اجازات کتبی برای ثبت و ضبط اطلاعات لازم در آن، رواج یافت. این دقت نظر، کم‌کم اجازه اقراء را با الگوگیری از سنت

اجازه در نقل حدیث، به قید کتابت در آورد. بدین ترتیب در این دوره اجازات شفاهی با اجازات کتبی همراه شده، مرحله مهمی در فرایند اجازات ایجاد گردید. سنت اقراء ارتباط بسیار وثیقی با اجازه کتبی دارد؛ زیرا اجازه کتبی از طرفی گواهی اقراء توسط شیخ مقرئ است و از طرف دیگر، تقیّد به قرائت، روایت و طرق را شامل می‌شود.

اتصال سلسله سند اجازات به پیامبر (ص)

آیا سلسله سند اجازات واقعاً به پیامبر اکرم متصل است؟ و این اتصال واقعیت است یا صرف ادعا؟ بررسی این موضوع مهم و گسترده، نیاز به پژوهشی جداگانه دارد. اما به طور خلاصه باید گفت از آنجا که صحت سند یکی از سه رکن قبولی قرائت است، لذا سند اجازات و صحت آن و شناخت شیوخ سند و سلسله روات و اتصال آن به پیامبر اکرم (ص)، از اهمیت بالایی برخوردار است. ابن جزری در این باره می‌گوید: «اگر صحت سند از پایه‌های قرائت است - همان‌طور که بیان شد - متعین است که احوال رجال قرائت شناخته شود آن‌گونه که احوال رجال حدیث شناخته می‌شود» (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، ج ۲، ص ۲۹۶).

لذا بعضی از دانشمندان رجال و دانشمندان علم قرائت، نظیر ابن جزری، درصدد تألیف کتاب‌هایی برای شناخت قراء و شیوخ‌شان بر آمده‌اند. از مهم‌ترین این کتب می‌توان «معرفة القراء الکبار»، «طبقات القراء» و «تذکرة الحفاظ» شمس الدین ذهبی و «منجد المقرئین» و «غایة النهایة» ابن جزری و دیگر کتب علم رجال را نام برد.

به این ترتیب، سلسله اسانید اجازات را می‌توان به چهار مرحله تقسیم کرد:

مرحله اول: از صاحب سند اجازات تا ابن جزری؛

مرحله دوم: از ابن جزری تا صاحب کتابی که ابن جزری به آنها استناد کرده است، یعنی ۶۹

کتاب و طریق موجود در النشر؛

مرحله سوم: از مؤلف کتاب طریق تا راوی یا قاری اعم از قراء سبعة یا عشرة؛

مرحله چهارم: از قاری سبعة یا عشرة یا روات آنها تا پیامبر اکرم (ص) (بقله، تسهیل علم القراءات،

ایمن سوید نیز در کتاب‌اش، سلسله اسناد اجازات خود بالغ بر ۳۰ اجازه از شیوخ مختلف را به همین شکل به چهار دوره تقسیم کرده و سعی می‌کند اتصال اجازات را به ساحت حضرت رسول (ص) ثابت کند (سوید، السلاسل الذهبیه، ص ۵).

در بررسی تمام چهار مرحله یاد شده، باید گفت تواتر آن‌ها ثابت نیست؛ بلکه اخبار آحادند. در مرحله اول، اکثر سلسله‌های اجازات به ابراهیم العبیدی مصری (۱۲۳۷ هـ) می‌رسد. اجازات مصر از طریق علی الحدادی، اجازات عراق، لبنان و شام از طریق المرزوقی، و اجازات حجازی و بحرینی از طریق السلمونه، همگی از العبیدی مصری روایت می‌کنند و در آن متحدند. البته اکثر اجازات - غیر از اجازات مغاربه - در بعضی از شیوخ مشترک‌اند؛ مانند ابراهیم العبیدی، احمد البقری، محمد البقری، شحاده الیمنی و خصوصاً ابن الجزری. شیوخ مصری ادعا می‌کنند تمام اسناد اجازه موجود، به شیوخ مصری متصل‌اند (احمد عبد الرحیم، فتنة الاسانید و الاجازات القرآنیة، ص ۲۵).

ذیلاً دو صفحه از اسانید اجازه ملاحظه می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي ختم أنبياءه نبينا محمد صلى الله عليه وآله وسلم سيد الأنام وأمرنا عليه القرآن بالبلغ معني وأحسن نظام وأورثه من اصطفاه من عباده ورفح مقامهم إلى أعلى مقام وأدخلهم حرز الأمان فيلقوا به القرب إلى أقصى مرام وأسعدهم بتيسير نشر قرآنه ومعهم بجزيل فضله وقضاهم بعد النبيين والمرسلين على سائر الأنام.

أحمده حمد عبد مستمر على ثلاثة كتابه محافظ علي دراسته مخلص بركته من الظنون والأوهام وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له شهادة أذخرها ليوم الزحام وأن سيدنا محمداً عبده ورسوله نبي آدم تربته إلى القيامة صلى الله عليه وعلى آله وعلى أصحابه المنتجبين الأخيار صلاة وسلاما دائمين متلازمين إلى يوم ينفخ القرآن في أهله ويدخلهم الجنة بسلام

وبعد فيقول الفقير إلى الله تعالى / **محمدحفيص عبد السيد منصور** /
 مولود في ١٩٨٠/٠٥/٢٣م بكثر الزيات محافظة الغربية جمهورية مصر العربية
 إن أول ما ألفت فيه الهمم العوالي وأجمل ما صرفت فيه المهج العوالي تعلم كتاب الله تعال لاستثماره علي جميع العلوم بالذلات وإن أهم العلوم المتعلقة به علم قراءة القرآن وقد تصدى له رجال محققون وأمة مدفونون فكشفوا لنا عن وجهه اللثام ونلقوه إلبنا عن تحرير تام و كان ممن رغب في هذا العلم الدقيق والأخفاف من بعرضه المصيق

الأخ حفيص محمدحسن كسماي

المولود في ١٣٤٥/٦/٠٩ ش الموافق ١٩٢٦/٠٩/٢٦ م بمحافظه نجف الاشرف جمهورية العراق

أضياه الله الحياة الطيبة وفاض كل خير وفاض كل خير فإنه قد جاء إلى وفراً علي القرآن الكريم كنه محمداً من السطر (ظرفاً في المصحف) برواية حفص عن عاصم عن طريق الشافعية وقد طلب مني الإجازة بذلك فأمرته بما إجازة صحبة بشرطها المحتض عند أهل العلم والنظر. أجزته أن يقرأ ويفرغ من أراد القراءة عليه قراءة ورواية ووجهها في أي محل نزل فيه من المصاحف والقرء فهو بذلك حفيق بلا مرا ووقفه الله لما فيه رضا

أمن

بسم الله الرحمن الرحيم

إجازة برواية حفص عن عاصم عن طريق الشافعية والتيسير

الحمد لله الذي علم القرآن ، خلق الإنسان علمه البيان، وشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له ، وأورث كتابه من الصطفى من عباده ، وأشهد أن سيدنا محمد عبده ورسوله الخالقين ، خيركم من تعلم القرآن وعلّمه " صلى الله عليه وعلى آله وصحبه الكرام والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين، أما بعد : فإن من أفضل طاعات وأعظم تقربات تعدد القرآن الكريم وتلاوته على أهل القرابة والرواية بالإسناد المتصل ورحم الله ابن الميزان حيث قال: (الإسناد من العلم وقلا الإسناد نقل من شاء ما شاء) لذلك يقول أئمة الفروع (رحمة مولاه خيرم القرآن وإهله (محمود شاكركم محمد الكرخي) قد وفق الله تعالى الأستاذ (حفيص محمدحسن كسماي) لتدريج كتبه فقرأ علي ما تيسر له من القرآن الكريم برواية حفص بن سليمان عن عاصم بن أبي النجود من طريق الشافعية والتيسير وسألني أن أجزه بهذه الرواية فأجزته بها لما رأيته أهلاً لذلك وأجزت له أن يجزر بها من شاء بشرطها المحتض عند العلماء، وأخبرته أنه أجزاني بذلك الشيخ المقرئ محمد فؤد سليم الكيلاني المحمسي عن شقيقه المقرئ محمد خالد الأنشرف عن الشيخ العلامة الطائري عبد العزيز عيون السود ، عن الشيخ محمد سليم الخالواني، عن شقيقه ووالده الشيخ أحمد الخالواني، عن الشيخ أبي الفوارز أحمد المرزوقي الأزهرى الأشعري، عن الشيخ إبراهيم بن عامر بن علي العبيدي، عن الشيخ عبد الرحمن بن حسن بن عمر الأجهوري ، عن الشيخ أبي السباح أحمد بن رجب بن محمد البكري ، عن الشيخ أبي عبد الله محمد قاسم البكري ، عن الشيخ عبد الرحمن شحادة العمري ، عن والده الشيخ شحادة العمري ، عن الشيخ تأسر الدين الطائري ، عن الشيخ زكريا الأصغري ، عن الشيخ رشوان بن محمد العمري، عن الإمام أبي الخير محمد بن محمد بن العزاري ، عن الشيخ أبي العباس أحمد بن حسين بن سليمان الكفري ، عن والده أبي عبدالله الحسين بن سليمان بن زفارة الحنفي الكفري ، عن أبي محمد القاسم بن أحمد بن موفق النورقي ، عن أبي العباس أحمد بن علي بن يحيى بن عون الله الحصار ، عن أبي الحسن علي بن محمد بن خليل البهسي ، عن أبي داود سليمان بن نجاح البهسي ، عن الحافظ أبي عمرو عثمان بن سعيد الثاني مؤلف كتاب التيسير ، عن أبي الحسن طاهر بن عبد المنعم بن ظنون ، عن أبي الحسن علي بن محمد الهاشمي ، عن أبي العباس أحمد بن سهل الكائناني، عن أبي محمد عبد بن المتناجح البهسي، عن أبي عمر حفص بن سليمان الأندي ، عن أبي بكر عاصم بن أبي النجود الكوفي ، عن أبي عبد الرحمن عبد الله بن حبيب السلمي، عن عثمان بن عفان وخطي بن أبي طابيه وأبي بن كعب وزيد بن ثابت هـ، عن النبي ﷺ عن جبريل عليه السلام رب العلمين ﷺ.

المجيز

محمود شاكركم محمد الكرخي

رئيس جمعية القراء والمؤجدين لجمع ميثاق

مدرس القراءات العشر في المؤسسة القرآنية في الكاظمية المقدسة /بغداد

١٩ صفر ١٤٣٨ هـ / ١٠ نوفمبر ٢٠١٦ م

بعضی از محققان معاصر راجع به برخی از شیوخ در سلسله اسناد اجازات، اشکالاتی وارد نموده‌اند. دو کتاب «آفة علو الاسانید» و «فتنة الاسانید و الاجازات القرآنیة» اثر السید احمد عبدالرحیم پژوهش‌هایی راجع به وجود بعضی از مشکلات و تدلیس‌ها در اسانید را ارائه داده است. او طی تحقیقی طولانی، دو طریق الحدادی و المرزوقی از ابراهیم العبیدی را دارای ابهام و تدلیس دانسته است و فقط طریق سلمونه از العبیدی را ثابت و صحیح می‌داند (احمد عبد الرحیم، آفة علو الاسانید، ص ۲۳۴). این نظریه بسیار مهم است؛ چراکه بسیاری از اجازات کنونی موجود در مصر و شامات از طریق این دو شیخ مذکور در اسانید است. انتشار این کتاب، منجر به واکنش بعضی از اصحاب اجازات معاصر و انتشار کتاب‌هایی در رد او گردید که مهم‌ترین آن‌ها «الحجج الجیاد فی الذب عن عوالی الإسناد، رد علی کتاب آفة علو الإسناد» تألیف علی سعد الغامدی المکی است.

سید احمد عبدالرحیم همچنین می‌گوید: متقدمان برای گرفتن اجازات حریص بودند؛ چراکه اجازات مانند گواهی بود که به دارنده‌اش برای فعالیت در آن رشته اعطا می‌شد. سپس به سبب تأسیس و انتشار مراکز تعلیم و نهادهای آموزش قرائات، اقبال برای گرفتن اجازات از شیوخ کم شد. پس از مدتی اهتمام به اسانید و اجازات برگشت و وضع تغییر کرد و شور گرفتن اجازات و اسانید، بی‌سابقه و دیوانه‌وار گردید (احمد عبد الرحیم، فتنة الاسانید و الاجازات القرآنیة، ص ۳۴). ذهبی و ابن جزری نیز راجع به اضطراب و تدلیس در بعضی از اسانید اجازات، اشاره دارند. «بسیاری از متقدمان در اسانیدشان دچار اشتباهات زیادی مانند حذف بعضی از رجال سند، نام‌گذاری کسانی به غیر اسامی‌شان، تصحیف و غیره شده‌اند (ابن جزری، منجد المقرئین، ص ۶). سید احمد می‌گوید: بعضی از بزرگان، شیوخ اسانید و علم قرائات از متقدمان و متأخران نیز از این فتنه در امان نماندند. او سپس دو تن از بزرگان را مثال می‌زند: اول یوسف بن علی ابوالقاسم الهدلی (۴۶۵ هـ) صاحب کتاب الکامل فی القراءات العشر؛ دوم عیسی بن عبدالعزیز ابوالقاسم شریشی (۶۲۹ هـ). ابن جزری در مورد هدلی می‌گوید: در اسانیدش اوهامی واقع شده است. ذهبی نیز می‌گوید: اشتباهات زیادی در اسنادش وجود دارد. ابن جزری راجع به شریشی می‌گوید: در اسانیدش خلط زیادی دیده می‌شود. البته نکوهش مذکور در مورد روایت و اسانید آن‌هاست، نه در درایت و علم‌شان و درباره مرتبه علمی آن‌ها مدح زیادی شده است. (احمد عبد الرحیم، پیشین، صص ۴۲-۴۶).

لذا اثبات تواتر سلسله اسانید اجازات غیر ممکن است. درباره مرحله چهارم اسانید، سند روایات و قرائات سبع و عشر تا حضرت رسول(ص)، اکثر علمای اهل سنت و معدودی از فقها و علمای مکتب اهل بیت(ع) نظیر شهید اول و شهید ثانی، قائل به تواتر هستند.

ارتباط اجازات با امور دیگر

رابطه اجازات با اقراء

ارتباط اقراء با اجازه از نوع لازم و ملزوم است. «اجازات» نوعی گواهی صحت اقراء و تریخی برای تعلیم قرآن می باشد؛ لذا در حقیقت اقراء پیش نیاز و شرط اخذ اجازه است. اگرچه مکاتب و روش های مختلفی برای اقراء و صدور اجازه وجود دارند؛ اما قدر مشترک همه آنها، این است که صدور اجازه، مشروط به اقراء است.

رابطه اجازات با علم قرائات

شاید علم قرائات تأثیرگذارترین عامل بروز اجازات کتبی باشد. وصل شدن سلسله قرائات به پیامبر(ص) در علم قرائات نیاز به ضوابط و تعهد مکتوب داشت. لذا ثبت دقیق قرائات، روایت و طرق در اجازات از مهم ترین نکات آن به شمار می آید و شیخ اجازات قطعاً باید بر آن مسلط باشد

رابطه اجازات با علم وقف و ابتداء، تجوید و نبر

یکی از اهداف اصلی اقراء قطعاً قرائت صحیح می باشد. ترتیل عبارت است از درست و زیبا خواندن قرآن، طبق فرموده امیرالمؤمنین(ع) که «ترتیل، نیکو ادا کردن حروف و شناخت وقف ها» (سیوطی، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۱)، لذا رعایت تجوید و وقف و ابتداء از دیرباز در اقراء مورد توجه و از ارکان آن بوده است. ضمن آن که بعضی از مکاتب اقراء در بعضی از اشکالات تجویدی مانند غنوی بودن تلفظ یا نبرها حساسیت بیشتری دارند و آن را مانع اعطای اجازه می دانند. نبر (یا آکسان) یکی از امور مؤثر بر صحت و فصاحت تلاوت قرآن کریم به شمار می رود و هم ردیف تجوید است. بعضی از شیوخ اقراء آن را «اوزان الکلمات» می نامند. نبر دو گونه دارد: نبر مؤثر بر صحت قرائت، و نبر مؤثر بر فصاحت قرائت. در صورت درست اجرا نکردن نبرهای مؤثر بر صحت، کلمه تغییر یافته،

معنای دیگری می‌گیرد؛ مانند: فسقی، فطل، أحد. در حالی که نبرهای مؤثر بر فصاحت اگر درست ادا نشوند، تأثیری بر معنا ندارند؛ ولی معمولاً دور از فصاحت اکثر لهجات عرب خواهند بود. نبرهای تأثیرگذار بر صحت قرائت، قطعاً مانند غلط‌های اعرابی، عبارتی، صفات و مخارج حروف بوده و اقرء را دچار اشکال می‌کند. شیوخ اقرء معمولاً تا برطرف نشدن این اشکالات برای شاگردان‌شان اجازه صادر نمی‌کنند. با این حال نبرهای فصاحتی نزد بعضی از شیوخ و مکاتب اقرء، مهم و نزد بعضی دیگر قابل اغماض اند. به استناد گفته‌های شیخ محمد فهمی عصفور مصری، شیوخ اقرء مصر در این رابطه نظر و عملکرد متفاوتی دارند.

رابطه اجازات قرائت و اجازات حدیث

تحقیقات نشان از این دارد که اجازات قرائت بعد از اجازات حدیث به وجود آمده و متأثر از آن می‌باشد. اجازه حدیث نیز مانند اجازه قرائت، دلیل بر اذن و رخصت استاد به شاگرد است؛ اما اجازه حدیث معمولاً از باب اعتمادسازی برای شاگرد داده می‌شد. از آن‌جا که نقل احادیث جعلی محتمل بود، معتمد بودن محدث و دقت نقل او، مسأله‌ای مهم به شمار می‌آمد؛ درحالی که اجازه قرائت ناظر بر دقت نقل الفاظ و اتقان آن است.

انواع اقرء و اجازات

اجازات را به اعتبارات گوناگون می‌توان تقسیم نمود:

الف) سند اجازه: اگر استاد به صورت شفاهی به شاگرد اجازه دهد اجازه «شفاهی» خواهد بود؛ چنانچه استاد به شکل مکتوب به شاگردش اجازه دهد، آن را اجازه «کتبی» گویند.
ب) روش اقرء: «سماع» یعنی استاد بخواند و شاگرد گوش کند؛ «عرض» شاگرد خوانده و استاد بشنود؛ «عرض و سماع» بدین صورت که ابتدا استاد بخواند و شاگرد بشنود و سپس شاگرد بخواند و استاد گوش دهد.

ج) جمع و افراد قرائت: اگر در طی اقرء، تنها یک روایت و یک طریق مد نظر باشد، اقرء به «افراد» است؛ اما اگر در طی دوره اقرء، بیش از یک روایت یا قرائت مورد توجه باشد و خوانده شود، اقرء به «جمع» نامیده می‌شود. اقرء به «جمع» می‌تواند ناظر به قرائت، روایات، طرق یا وجوه

باشد. اجازات از نظر علم قرائات انواع دیگری نیز دارند: «اجازه به یک طریق از یک روایت» مانند اجازه به روایت حفص از عاصم از طریق شاطیبه؛ «اجازه به یک روایت» مانند اجازه به روایت حفص از عاصم (از چند طریق)؛ «اجازه به یک قرائت» مانند اجازه به قرائت عاصم (به هر دو روایت)؛ «اجازه به چند قرائت» مانند اجازه به قرائات عاصم و نافع؛ «اجازه به قرائات سبع» و «اجازه به قرائات عشر صغری یا کبری».

د) کمیت قرائت در جواز قرائت: اجازات ناظر به مقدار اقراء شده از قرآن کریم بر شیخ و این در صورتی است که شیخ، با اتقان و کیفیت بالای قرائت قاری، به قرائت مقداری از قرآن اکتفا کرده و اجازه قرائت به او بدهد.^۱

ه) حفظ یا از روخواندن: در گذشته اقراء و صدور اجازه، جز برای حافظ ممکن نبود؛ اما در حال حاضر اکثر شیوخ، اقراء از مصحف را نیز می‌پذیرند. بر همین اساس در اجازه‌نامه، عباراتی چون «عن ظهر قلب» برای حافظ یا «نظرا علی المصحف» برای غیر حافظ قید می‌شود.

ویژگی‌ها و آداب اقراء و اجازات

صفات قاری و مقری

در عموم کتب اقراء، ویژگی‌هایی را برای مقری و قاری ذکر کرده‌اند. این ویژگی‌ها معمولاً همان اخلاق حسنه و مناسب قرآنیان است؛ از جمله اخلاص، تواضع، احترام به استاد، خشوع در هنگام قرائت، تدبر در آیات و از این قبیل سلوک مطلوب.

شرایط اقراء و صدور اجازه

از جمله شرایط اقراء و صدور اجازه «ختم کل قرآن» است؛ اگرچه همان‌طور که بیان شد به نظر برخی از شیوخ، قرائت مقداری از قرآن، به شرط اطمینان از اتقان قاری، کفایت می‌کند. شرط دیگر نیز «حفظ قرآن» است. با این که تعداد کمی از شیوخ اجازات به تقلید از روش‌های سنتی، فقط اقراء حافظ را رسمی می‌دانند؛ اما اکثر شیوخ اجازات، در حال حاضر اقراء از روی قرآن را نیز می‌پذیرند. اگرچه در هر دو صورت در اجازه قید خواهد شد.

۱. مرحوم شیخ محمود کرخی، مقری عراقی درباره بنده این‌گونه عمل کردند.

مذاهب قراء در کیفیت جمع

در اقراء به «جمع»، روش های متعددی وجود داشته است (ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، ج ۲، ص ۲۰۲):

۱. قاری به هر کلمه ای که در آن اختلاف باشد برسد، آن کلمه را با وجوه دیگرش تکرار کند؛
۲. قاری یک فراز را به یک وجه بخواند؛ و بعد از وقف، آن را به وجوه دیگر تکرار کند که آن را طریق شامیان گفته اند؛
۳. قاری یک آیه را به وجهی خوانده، سپس آن را به وجوه دیگر تکرار کند؛
۴. بر حسب ترتیب وجوه و طرق بخواند؛ مثلاً اگر مدی را به قصر خواند، سپس همان مد را به قرائات، روایات، طرق یا وجوهی که آن را به توسط یا به طول ذکر کرده اند، تکرار کند لازم به ذکر است سه روش اول، غالباً ناظر به اختلاف در فرش الحروف هستند؛ درحالی که روش چهارم مخصوص اختلاف در اصول است.

اقراء به جمع قرائات شروطی دارد؛ از جمله: حسن وقف، حسن ابتدا، عدم ترکیب روایت و طریق و وجه، مراعات ترتیب و اولویت قراء، روایت، طرق و وجوه در اقراء به جمع (پیشین).

دو شرط اصلی اجازه

در بعضی از مصادر و گفته های شیوخ دو شرط اصلی «عدالت» و «اتقان» برای اعطای اجازه ذکر شده است. این دو شرط از اجازه حدیث گرفته شده است. «عدالت» آن است که شخص مجاز عادل باشد. روشن است که اجازه دادن به فرد فاسق یا گناه کار علنی صحیح نیست و صاحب اجازه باید از این صفات دور باشد و عادل به شمار آید. ویژگی دوم «اتقان» است. منظور تسلط داشتن مجاز بر قرائت و لوازم اش است. اتقان به دو دسته علمی و عملی تقسیم می شود. در اتقان علمی، مجاز باید قواعد و احکام را به صورت نظری آموخته و به تسلط در آن رسیده باشد. اتقان عملی نیز همان تسلط عملی در قرائت قرآن است. شیخ اجازه با شناختی که از مجاز دارد یا پیدا می کند، عدالت را تشخیص داده و بعد از اقراء کل قرآن، اتقان وی برایش مشخص می شود. با محرز شدن «عدالت» و «اتقان» اجازه وی صادر می شود (رک: مناحی زاده، «اجازه قرائت، سنتی دیرینه در جهان اسلام»، ص ۴۳).

توصیه‌هایی به قاری

در برخی از کتب یا از زبان بعضی شیوخ و اساتید، توصیه‌هایی ذکر شده است، از جمله آن‌ها: درباره شیخ اجازه تحقیق کرده و اطمینان پیدا کنید؛ شیخ باید دارای علو سند، سطح مناسب علمی و عملی، تسلط لازم بر متون مهم مانند المقدمه و طبیعتا حسن اخلاق و سلوک باشد؛

به یک شیخ اکتفا نکنید و با مراجعه به شیوخ دیگر، معلومات بیشتری کسب کنید و از اطلاعات خود مطمئن شوید؛

اقراء به صورت حفظ، مرتبه‌ای بسیار بالاتر از اقراء از روی قرآن است؛ بهتر است یکی از متون معروف تجویدی مانند «المقدمه» (ابن جزری)، «تحفه الغلمان و الأطفال»، «منظومه المفید فی علم التجوید» و «تحفه الأطفال» (الجمزوری) را حفظ کنید؛

آنچه از شیخ اقراء درباره تجوید فرامی‌گیرید؛ با کتب و منابع اصیل تجوید منطبق باشد؛ اطلاعات لازم اقراء را در دفتری مخصوص، ثبت و ضبط کنید؛ از جمله تاریخ شروع اقراء، تعداد جلسات، مکان اقراء، حاضران مستمع در جلسه، تاریخ ختم و اشهار، نکات مهم بیان شده توسط شیخ و...؛

در مدرک اجازه، سند معتبر بوده و دارای مهر شیخ به همراه امضای دو شاهد باشد؛ در متن سند باید نام سلسله مقریان به همراه تاریخ وفات آن‌ها با دقت ذکر شده باشد. برای اطمینان از آن، می‌توان سند را به متخصصان اقراء و اجازات عرضه کرد و از صحت آن مطمئن شد (رک: عرباوی، پیشین، ص ۲۲۴).

ارزیابی نقاط ضعف و قوت اقراء و اجازات

با بررسی و تحقیق درباره نظام اقراء و اجازات برخی از جنبه‌های مثبت و منفی آن روشن می‌شود که برای ورود به عرصه و تبعیت از این نظام، مطالعه آن‌ها ضروری می‌نماید. برای دستیابی به نکات مثبت، باید با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از تجارب موجود، سعی کنیم نکات منفی را به حداقل برسانیم؛ اگرچه از برخی از آن‌ها گریزی نیست؛ اما با دوری از افراط و رعایت جانب اعتدال، می‌توان به اکثر جنبه‌های مثبت آن دست یافت.

ابتدا نقاط ضعف مطرح می‌شود. این موارد غالباً در کشورها و مجامعی که به این سنت پای‌بند هستند وجود دارد و در برخی از منابع نیز مطرح شده‌اند. در صورت تقلید کورکورانه و بدون بررسی جوانب و برنامه‌ریزی دقیق، گرفتار شدن به این موارد زیاد خواهد شد.

نقاط ضعف

سخت‌گیری افراطی یا آسان‌گیری تفریطی

اولین نکته منفی موجود در بین مجریان این سنت، افراط و تفریط است. برخی از مقریان چنان بر قاریان و شاگردان خود سخت می‌گیرند که برخی از آن‌ها در میانه راه از گرفتن اجازه منصرف می‌شوند یا به مشقت به آن دست می‌یابند. در مقابل، برخی دیگر دچار تفریط شده‌اند و بدون دقت کافی بر قرائت قاری، تنها به دنبال اتمام قرائت هستند. با توجه به این که اغلب مقریان بیش از یک شاگرد دارند و طولانی بودن روند اقرار، حالت تفریط رواج بیشتری دارد (دخیل، پیشین، ص ۱۶۸؛ عرباوی، پیشین، ص ۲۲۷).

این مشکل را می‌توان با اقداماتی حل کرد؛ از جمله: «نظارت بر روند اقرار» به صورت دوره‌ای و تصادفی، «تعیین بازه‌های زمانی برنامه‌ریزی شده» و «محدود کردن تعداد شاگردان». نظام‌مند کردن روند اقرار امتیازاتی از جمله تعیین حق‌الزحمه‌های قانونی می‌تواند مانع چنین مشکلاتی شود.

تعیین نرخ و دریافت مبالغ برای اقرار و اجازات

یکی از معضلات اقرار و اجازات، تبدیل آن به محل درآمد برخی از مقریان است. این مقریان، اگر در پی افزایش درآمد باشند، دست به کارهایی می‌زنند؛ از جمله درخواست مبالغ بیش از عرف، سعی بر زیاد کردن تعداد شاگردان، تلاش برای اتمام سریع‌تر اقرار و شروع اقرار بعدی. این اقدامات نتایج زیان‌باری در پی خواهد داشت (دخیل، پیشین، ص ۴۳۷ و ۴۵۲).

این مشکل راه حل ساده‌ای دارد. با نظام‌مند کردن اقرار و اجازات، حق‌الزحمه مشخصی برای مقری تعیین می‌شود که قسمتی از آن را قاری و باقی آن را مراکز قرآنی مسئول اجرای طرح می‌پردازند. ضمن آن که هر مقری تعداد محدودی از شاگردان را در زمان‌های مشخص اقرار می‌کند.

عدم اتقان بعضی از مقریان

گاهی یک قاری به راحتی اجازه دریافت کرده و بدون دستیابی به سطح مطلوبی از اتقان، شروع به اقراء دیگران و اعطای اجازات می‌کند. این مشکل نه تنها ما را از اتقان دور می‌کند، بلکه تعدادی قاری و مقری غیرمتقن پرورش می‌دهد که اگرچه دارای اجازه هستند اما جهل مرکب دارند (عرباوی، پیشین، صص ۲۲۱-۲۲۹).

برای پیش‌گیری از این معضل باید اقداماتی را ترتیب داد: نظارت بر روند اقراء؛ تعریف انواع اجازات از جمله اجازه قرائت و اجازه اقراء و توجه به کارایی آن‌ها؛ تعیین شرایط و آزمون‌هایی برای دستیابی به جایگاه مقری. در این صورت، علاوه بر اتقان اصحاب اجازه، هر کسی اجازه اقراء دیگران را نخواهد یافت و در این صورت سطح اقراء تنزل نخواهد کرد.

تلاش برای دستیابی به جایگاه اجتماعی از طریق تکثیر عدد شاگردان

از دیگر مشکلات نظام سنتی اقراء و اجازات، تلاش استاد برای بالا بردن جایگاه اجتماعی خود، به‌وسیله زیاد کردن تعداد شاگردان و به‌عبارت دیگر پیروان خود است (رک: دخیل، پیشین، صص ۲۲۷ به‌بعد). البته این معضل مختص اقراء و اجازات نیست و شامل تمام موارد استادی و شاگردی است. چه بسا در حال حاضر در کشور ما نیز چنین معضلاتی در فضای قرآنی موجود باشد. با این حال نظام اقراء و اجازات به‌واسطه ذکر نام استاد در اجازه‌نامه، زمینه مہیاتری برای این مشکل را به‌وجود می‌آورد. این مهم‌ترین مشکل در اجرای سنت اقراء و اجازات است؛ چون نمی‌توان راه حل عملی برای مقابله با آن یافت. این معضل خصوصاً آنجا شدید می‌شود که اساتید دارای رسانه، جایگاه اجتماعی و امتیازات بیشتری کسب می‌کنند؛ در حالی که احیاناً اساتید مستعد و متقن که سطح علمی بالایی دارند اما صاحب رسانه نیستند، چنین نصیبی نمی‌یابند.

از آن‌جا که این رفتار مستقیماً با اخلاق و منش استاد مرتبط است، محدود کردن وی امر آسان و ممکن نیست. تنها اقدام ممکن، نظارت مدیران ارشد بر نحوه توزیع امتیازات و به‌کارگیری قاریان و مقریان در سرتاسر کشور با دیدگاهی عادلانه است. با این حال تأکید بر جوانب اخلاقی و تخلُّق به منش قرآنی و خلوص نیت، ما را از فرو افتادن در این باتلاق حفظ می‌کند.

تبدیل شدن اجازه به وسیله‌ای برای فخر فروشی

از دیگر نکات منفی که خاص مقری نیست و شامل قراء نیز می‌شود، تفاخر به داشتن اجازه است. البته تحصیل اجازه مستند به رسول الله (ص) قطعاً مایه مباهات است؛ اما گاهی این افتخار از حد خود فراتر رفته و تبدیل به فخرفروشی و غرور می‌شود. این مشکل آن‌جا بیشتر دیده می‌شود که دست‌یابی به اجازه بسیار دشوار بوده و به حفظ کل قرآن، سطح بالای اتقان یا مبالغه زیاد نیاز دارد. برای پیش‌گیری از این مشکل لازم است، امتیازات بیش از حدی برای صاحب اجازه در نظر نگیریم و روند اقرار و کسب اجازه و شرایط آن‌ها به قدری دشوار نباشد که کسب آن مایه غرور شود؛ البته چنان آسان هم نشود تا هر کس بدون تلاش به آن دست یابد، که در این صورت اعتباری نخواهد داشت.

شرط بودن اجازه برای بعضی از مناصب

در بعضی از مجامع اسلامی، جایگاه اجازه چنان مهم و اساسی است که استاد قرآن یا حتی قاری، اگر صاحب اجازه نباشد، هیچ اعتباری نداشته و نمی‌تواند فعالیت قرآنی داشته باشد. این مسأله بعضاً حتی مبلغان دینی را هم شامل می‌شود؛ به این معنا که برای اموری مانند خطابه و امامت نماز داشتن اجازه قرائت ضروری است. همچنین گاهی برای منصبی یا یک جایگاه اداری که جنبه دینی یا قرآنی دارد، اجازه قرائت یکی از شروط لازم برای استخدام است. این مسأله شاید از دیدگاهی نشان دهنده اهتمام به مسأله قرائت قرآن و اتقان آن باشد؛ اما از طرف دیگر قانونی و اجباری کردن آن تبعات ناگواری دارد؛ از جمله آن که اجازه قرائت بیش از آن که جایگاه معنوی و ارزشی داشته باشد، موجودیت قانونی و اعتباری پیدا خواهد کرد؛ ضمن این که افراد برای به دست آوردن اعتبار یا منصب مورد نظر، به هر قیمتی به دنبال کسب اجازه خواهند رفت؛ بدون آن که اهمیت و هدف آن را درک کنند. این پیشامد، به تدریج ارزش و جایگاه اقرار و اجازات را از بین خواهد برد.

برای جلوگیری از این مشکل، باید برای تأسیس نظام اجازات در کشور، چندین مرحله ترسیم کرد. در مراحل اول نباید آن را به عنوان مدرک مورد نیاز برای استخدام یا پذیرش به کار بست. در مراحل بعد و پس از جافتادن اجازه در فرهنگ قرآنی، میتوان چنین استفاده‌ای داشت. البته مدیریت

و نظارت مطلوب به اضافه توجیه شرکت کنندگان به اهداف والای اقرار و اجازه می‌تواند هموار کننده مسیر باشد.

گسترش روایات و قرائات مختلف

از دیگر پیامدهای محتمل نظام اقرار و اجازات، گسترش قرائات و روایات است. شاید بتوان گفت یکی از اهداف اقرار و اجازات و از پیامدهای تاریخی آن، همین تعدد قرائات و روایات قرآن کریم است. علم قرائات خود متکی و مبتنی بر همین اقرار است؛ زیرا هر قاری‌ای قرائت‌اش را با سند به شخص نبی مکرم اسلام (ص) می‌رساند.

برخی از صاحب‌نظران، بر آن هستند که قرائات و روایات مختلف را احیا کنند و مردم را با آن‌ها آشنا سازند. در مقابل باید گفت اگرچه علم قرائات یک ضرورت علمی برای متخصصان علوم قرآنی است؛ لیکن راه دادن این مبحث به اذهان عموم، علاوه بر ایجاد زمینه اختلاف، شبهاتی پیرامون قرآن به وجود خواهد آورد که ما را از هدف دور می‌کند.

پیشگیری از این پیامد، به وسیله محدود کردن اقرار و اجازات حداکثری به روایت حفص از عاصم ممکن خواهد بود؛ اگرچه راه مطالعه و یادگیری قرائات و روایات دیگر برای متخصصان علاقه‌مند باز می‌ماند.

نقاط مثبت

همراهی با جامعه قرآنی جهان اسلام

اولین امتیاز، همراهی و همگامی با جامعه قرآنی جهان اسلام است. دیگر کشورهای اسلامی و خصوصاً کشورهای عرب‌زبان، سال‌ها بلکه قرن‌هاست ملتزم به نظام اقرار و اجازات هستند. چنانچه بیان شد، اقرار و اجازات در سال‌های دور، در کشور ما نیز جاری بود؛ هرچند به تدریج از میان رفت. اگرچه مؤلفه‌های پیشرفت، بر روند اقرار و اجازات کشورهای عربی نیز بی‌تأثیر نبوده و آن را کم‌رونق‌تر از قبل کرده است؛ اما همچنان مسأله‌ای مهم به شمار رفته و استانداردهای قرائت را شکل می‌دهد. از همین رو، احیای این سنت در کشور ما می‌تواند به نوعی همگام‌سازی با استانداردهای جهان اسلام به حساب آید. در نتیجه، قراء، حفاظ و اساتید کشورمان در عرصه‌های بین‌المللی از اعتبار بیشتری بهره‌مند خواهند بود.

تسلط علمی و اتقان عملی اساتید و قراء

اما مهم‌ترین و مفیدترین فایده سنت اقرء، ارتقای سطح قرائت قراء و حفاظ و اتقان آن‌ها است. ختم و عرضه یک دوره کامل قرآن کریم بر استاد و نظارت نقادانه وی، به صورت طبیعی سبب اتقان و تسلط قاریان و حافظان نسبت به قرائت خواهد شد. این مرحله آموزش عملی کامل، در کنار یادگیری مبانی و قواعد نظری قرائت، سطح بالاتری به وجود خواهد آورد. مرور کامل تجوید و وقف و ابتدا در طول اقرء باعث حصول اتقان برای قاری می‌شود؛ چه آن که باید یکی از کتب اصلی تجوید مانند مقدمه الجزریه یا تحفه الاطفال را همراه اقرء یاد گرفته و مرور کند. حصول این امتیاز، مشروط به اجرای منظم، دقیق و اصولی اقرء است. قاری باید کل قرآن را از ابتدا تا انتها و با توجه به نکاتی که استاد به او متذکر می‌شود، بر او بخواند و قرائت‌اش را تصحیح کند. همچنین مقری باید از ابتدا تا انتهای قرآن را با دقت کافی استماع کرده، نکات لازم را تذکر دهد. این نوع از آموزش قرائت در مقایسه با رویه فعلی که تنها در چند دوره کلاس تجوید خلاصه می‌شود، نتایج بسیار رضایت‌بخش‌تری خواهد داشت.

سازمان‌دهی اساتید، قراء و حفاظ کشور و سطح‌بندی آن‌ها

از منافع دیگر اجرای اقرء و اعطای اجازات، امکان سازمان‌دهی قراء، حفاظ و اساتید کشور است. به این معنا که با تعریف ضوابط و مقررات نظام اقرء و اجازات، می‌توان اساتید مقری و شاگردان آن‌ها را سازمان داد و برنامه اقرء آن‌ها را سامان‌دهی کرد. سازمان‌بندی اساتید و قراء، برنامه‌ریزی اقرء و سامان‌دهی اجازات، منافع بسیاری در پی دارد؛ از جمله ایجاد پایگاه اطلاعات کامل اساتید و قراء کشور، پیش‌روی به سمت عدالت بین فعالان قرآنی، امکان تعیین معیارهای قابل اعتماد برای تشخیص اساتید و قراء مورد قبول و معرفی آن‌ها به افراد و مراکز ذی‌ربط.

التزام به روایات و خصوصاً طرق روایات

یکی از مشکلات رایج فعلی بین برخی از قاریان و حافظان و حتی برخی اساتید، عدم آشنایی آن‌ها با برخی مفاهیم از قبیل روایت و خصوصاً طریق است. این عدم آشنایی زمانی ایجاد مشکل می‌کند که قاری به تفاوت طرق آگاه نیست و مثلاً نمی‌داند خواندن مد مفصل به قصر یا توسط،

چه الزاماتی را در سایر موارد اختلافی در پی خواهد داشت. دلیل این مشکل، آن است که مبانی قرائت به درستی آموزش داده نشده، تنها به احکام و قواعد تجوید اکتفا می‌شود. بنا نداریم که با پیش کشیدن مبحث طرق، قاریان را به چالش بکشیم؛ اما قاری یا حافظی که به صورت حرفه‌ای وارد این عرصه شده است، باید بر این مسائل اشراف یابد. از فوائد اقراء، آن است که قاری باید در طول خواندن بر استاد، به طریق مشخصی قرائت کند و از تفاوت آن با طرق دیگر آگاه باشد؛ ضمن آن که نسبت به روایات و قرائات نیز آگاهی اجمالی پیدا می‌کند.

معیارها و ضوابط پیشنهادی برای اجرای سنت اقراء و نظام اجازات در کشور در این قسمت معیارها و ضوابطی کلی برای اجرای نظام اقراء و اعطای اجازات ارائه می‌شود تا این سنت بر همین اساس در کشور اجرا شود و ضمن دستیابی به نقاط قوت آن، تا جای ممکن از معایب آن دوری شود.

سیاست‌های کلی اجرای اقراء

رعایت حد اعتدال

اولین نکته رعایت حد اعتدال است. افراط در اهتمام به نظام اجازات و تفریط در عدم توجه به اهمیت اقراء، لبه‌های پرتگاهی است که در دو طرف مسیر اعتدال قرار دارند و باید از خطر سقوط برحذر باشیم. این اعتدال باید در تعیین ضوابط و سیاست‌های کلی توسط مسئولان در نظر گرفته شود تا به مجریان و به تبع آن قاریان و مقریان نیز سرایت کند. نباید آن‌چنان جایگاه رفیع و بیش از حدی برای آن در نظر گرفت تا تصور شود به واسطه آن مشکلات قرآنی کشور ریشه کن خواهد شد؛ چنانچه نباید نسبت به اهمیت آن بی‌تفاوت باشیم به طوری که مشوقی برای شرکت در آن وجود نداشته باشد.

توجه به مفهوم آیات

توجه به مفهوم آیات و فهم عمومی معانی آن، می‌تواند یکی از سیاست‌های کلی و شرایط لازم برای اقراء و اعطای اجازه باشد. همان‌گونه که در مفهوم‌شناسی بیان کردیم؛ اقراء به معنای آموزش

قرائت قرآن همراه با تعلیم معانی آن بوده است؛ اما به تدریج و با برخی تحریف‌ها به مفهوم فعلی تغییر یافت و صرفاً قرائت قرآن را مد نظر قرار داد. می‌توان برای اجرای طرح اقرء در جمهوری اسلامی، معنای کامل اقرء و اهداف والای آن را پی گرفت و اجرا کرد. به این صورت که هنگام آموزش قرائت قرآن، معانی آیات در حد فهم عمومی و یادگیری مفردات را مد نظر داشت. این مسأله البته نیازمند بررسی و تبادل نظر اساتید است؛ اما به نظر می‌رسد بدون این قید آموزشی، تعلیم صرف قرائت امری خالی از فایده خواهد بود. اگرچه اقرء و اجازات به صورت رایج در کشورهای عربی، قرائتی متقن در پی خواهد داشت؛ لیکن در نهایت با حفظ جنبه لفظی قرآن، از جنبه معنوی که اصل ماجراست، غافل می‌مانیم. ضروری است مفهوم آیات همراه اقرء آن به قاری آموزش داده شده و جزئی از شروط صدور اجازه به حساب آید. این آموزش می‌تواند دارای سطوح مختلفی باشد؛ از جمله مفردات، معانی عمومی، تفسیر و تدبیر.

ممنوعیت اجتهاد

از امور ضروری در تعیین ضوابط اقرء و شروطی که برای آن باید در نظر گرفت، ممنوعیت هرگونه اجتهاد و تصمیم شخصی توسط قاری یا مقری است. اقرء، سنتی است که در پی نقل روش صحیح قرائت از نسلی به نسل بعد است؛ بر همین اساس هر اجتهادی توسط هریک از واسطه‌ها، ممکن است این هدف را از مسیر خود منحرف کند. بنابراین هر مقری باید فقط آنچه را از استاد خود فرا گرفته است اقرء کند و چیزی به آن نیفزاید یا از آن نکاهد. این مسأله نیازمند نظارت و توجیه دقیق است. البته طبعاً مقری می‌تواند نظرات و نوآوری‌های خود را در نحوه بیان و شیوه تعلیم به کار گیرد.

اعتبار اجازه به عنوان مدرک مؤثر نه ضروری

همانطور که بیان کردیم، نباید اقرء تبدیل به کاری تشریفاتی و اجباری شود. بر این اساس، نباید در ابتدای کار اجازه را تبدیل به مدرک دستیابی به منصب یا امتیازی قرار داد. این بهره‌وری از اجازات می‌تواند در مراحل بعد و زمانی که اقرء و اجازات به اندازه کافی جایگاه خود را یافتند، شکل بگیرد.

تعیین مرکزی رسمی به عنوان مجری سنت اقرار و صدور اجازه و رویه واحد کشوری برای اجرای صحیح و مطلوب این سنت در کشور، لازم است پس از رسم دقیق نقشه راه و تعیین ضوابط و مقررات، مرکز یا مؤسسه‌ای کشوری برای اجرای آن تعیین شده و با تخصیص بودجه‌های لازم، این طرح را تحت نظارت کافی به اجرا برساند. این مرکز باید مرتبط با امور قرآنی و آشنا به این فعالیت‌ها باشد؛ ضمن آن که داشتن مراکز یا شعب کشوری ضروری است. لازم است همه اجازات علاوه بر امضای مقری، مهر آن مرکز ارگان قرآنی را داشته و تحت نظارت آن صادر شوند. نظام اقرار و صدور اجازات باید از همان ابتدا در سراسر کشور قابل دسترسی باشد و به خوبی به مردم معرفی شود. مراکز و فعالان قرآنی نیز در آن دخیل باشند تا دچار مشکل نشود.

تعیین روال اجرایی مشخص

برای ساماندهی روال اقرار لازم است سامانه‌ای در فضای مجازی برای آن طراحی شود؛ به طوری که متقاضی اقرار و اجازه در آن ثبت نام کرده، بعد از انتخاب مقری مورد نظر، سیر اقرار خود را در آن ثبت می‌کند تا جایی که اجازه خود را از طریق همان سامانه دریافت کند. مقریان طرح نیز در همین سامانه، سازمان می‌یابند و به قاریان داوطلب معرفی می‌شوند. آن‌ها باید روال اقرار را در سامانه ثبت کرده و گزارش دهند. همچنین از همین طریق، مسئولان طرح به نظارت پرداخته و مراحل اجرایی آن را پی می‌گیرند. ضمن آن که می‌توان برای صدور اجازه، امتحان‌هایی را در نظر گرفت؛ از جمله امتحان کتبی یا شفاهی از سطح اطلاعات نظری قاری یا امتحان قرائت از بعضی صفحات قرآن.

تأمین هزینه‌ها

هزینه‌های این طرح باید به صورت سازمانی تأمین شود؛ اگرچه متقاضیان کسب اجازه قرائت باید هزینه مشخصی برای شرکت در طرح اقرار و صدور اجازه خود بپردازند؛ اما این مبلغ تنها جزئی از هزینه‌هاست و متناسب با سطح مالی عموم مردم تعیین می‌شود. حق الزحمه اساتید مقری نیز باید متناسب با زحمت و زمانی که در طول اقرار صرف می‌کنند و بدون اجحاف تعیین شود.

امکان اقرء به صورت مجازی

امکان برگزاری مجازی اقرء، مسأله‌ای است که نیاز به بررسی بیشتری از طرف صاحب‌نظران و اساتید دارد؛ اما در صورتی که شروط اساسی اقرء مهیا باشد و خللی در روند آن وارد نشود، مانعی برای آن به‌نظر نمی‌رسد و می‌توان از همان سامانه اینترنتی برای این غرض بهره برد.

تعیین قرائت، روایت و طریق

از مسائل مشخص در ضوابط، بحث قرائت، روایات و طرق می‌باشد. صلاح نیست که به انتشار قرائت و روایات متعدد در بین مردم اقدام شود. لذا در تعریف نظام اقرء کشور، نباید غیر از روایت حفص از عاصم به‌طور گسترده مورد توجه قرار گیرد و اجازه صادر شود. در مورد متخصصان این فن می‌توان استثنا قائل شد؛ اما این استثنائات در اجازات باید در مرکز اصلی و تخصصی تعریف و اجرا شود.

اما درباره طرق، لازم است متخصصان و صاحب‌نظران عرصه قرآنی، چند طریق مهم را انتخاب کرده و در معرض انتخاب قاریان و مقریان قرار دهد. با این حال ترجیح ما آن است که تا جای ممکن در محدود کردن طرق نیز تلاش شود؛ چه‌بسا همین طرق باعث تشّت میان قراء باشد. پیشنهاد مشخص، تعیین تنها دو طریق مشهور «شاطبیه» و «مصباح» و انتخاب از میان همین دو طریق است.

ضوابط اعطای اجازه

سطح پیش‌نیاز قاری

قاری داوطلب برای شرکت در اقرء و کسب اجازه، باید دارای ویژگی‌هایی تحت عنوان پیش‌نیاز باشد. این پیش‌نیازها باید به‌صورت مشخص و مدوّن به‌سمع و نظر شرکت‌کنندگان برسد. داشتن سطح معینی از تسلط بر قرائت و آشنایی با احکام آن، از جمله شروط این امر است. این شرط، جنبه علمی و مهارتی قاری را تأمین کرده و مانع ورود قاریان مبتدی به طرح خواهد شد. برای تشخیص این امر، درخواست نمونه قرائت متقاضی یکی از راهکارهای ممکن در مراحل ثبت نام است.

همچنین برخی مؤلفه‌های اخلاقی از جمله تعهد، انضباط، حسن سلوک و دیگر امور لازم

را می‌توان شروط عمومی ورود به طرح دانست. برای تشخیص آن نیز «احراز نشدن نقض» موارد مذکور کافی است. معرفی و توصیه داوطلب توسط یکی از اساتید منطقه نیز معیار مناسبی است. مرحله بعد، مجموعه‌ای از مؤلفه‌هایی هستند که نقش مرجحات را ایفا می‌کنند. این مؤلفه‌ها، زمانی به کار می‌آیند که باید از میان متقاضیان فراوان، تعداد محدودی از قاریان را برای ورود به طرح پذیرفت. ویژگی‌های مرجح می‌تواند شرایط شغلی، سوابق علمی و عملی، میزان تحصیلات، افتخارات کسب شده قرآنی، سن متقاضی و شهر محل سکونت‌اش باشد. در تعیین تمام شرایط و ضوابط باید عدالت را محور قرار داد؛ البته متقاضیان مناطق محروم را در اولویت قرار دهیم.

سطح پیش‌نیاز مقری

مسأله بعد شرایط و پیش‌نیازهای مقری یا شروط پذیرش قاری صاحب اجازه، به عنوان استاد قرائت است. شخص متقاضی باید صاحب «اجازه اقراء» باشد؛ «اجازه قرائت» برای این امر کافی نیست. در مرحله بعد شرایطی از جمله سطح اتقان، حسن سابقه، اخلاق قرآنی، تجربه، سن و... مورد توجه قرار می‌گیرند. هرچند براساس قواعد کلی و سنتی اقراء، هر صاحب اجازه‌ای می‌تواند دیگری را اقراء کند؛ لیکن هدف در این جا، نظام‌مند کردن است. در این راستا باید گفت نمی‌توان با اقراء خارج از مجموعه، منع و با آن مقابله کنیم؛ اما می‌توان با ایجاد شرایطی از جمله امتیازات اعطائی و انحصار به اجازه‌نامه رسمی مهور، همه قاریان را به سمت این نظام جذب کرد. می‌توان ساز و کاری برای به رسمیت شناختن و اعتباربخشی به اجازه‌نامه‌های غیر رسمی قراء نیز تعیین کرد. مثلاً به وسیله اعتبار مقری، شهادت عدول یا آزمودن قاری، به صحت اجازه او یقین پیدا کرد و آن را رسمیت بخشید. از آن جا که به دلیل درآمدزا بودن اقراء و بخشیدن جایگاه اجتماعی به مقری، متقاضیان بسیاری برای آن وجود خواهد داشت و عموم قاریان شرکت‌کننده در طرح، پس از دریافت اجازه، دنبال تبدیل شدن به مقری خواهند بود، مواجهه با این پدیده نیازمند تدبیر است.

تکثیر عدد مقریان و قاریان

این موضوع، درحقیقت پیروزی و موفقیتی در مسیر نشر قرآن کریم بوده و مایه خرسندی

است. با تعیین ضوابط و شرایط مذکور، باید افراد صالح برای این کار انتخاب شوند؛ اما این به معنای سخت‌گیری و تعیین سقف برای تعداد مقریان نیست. برای یاری کردن مقریان جوان می‌توان برای تشویق به انتخاب آن‌ها از طرف قراء، امتیازاتی قائل شد؛ از جمله آن که حق‌الزحمه کمتری برای اقرار آن‌ها در نظر گرفت؛ اما این امتیاز باید همراه نظارت و دقت نظر بیشتری باشد تا به افت کیفیت اقرار منتهی نشود.

شرایط اقرار

ختم قرآن

از مهم‌ترین شرایطی که به‌عنوان ضابطه در مرحله اقرار تعیین می‌شود؛ لزوم ختم کامل قرآن است. این مسأله پیش‌فرضی مهم در اقرار تلقی گردد.

رعایت نظم جلسات اقرار

رعایت نظم در برگزاری جلسات اقرار بین قاری و مقری، مسأله مهمی است که نیاز به توجه دارد. کل دوره اقرار باید سقف زمانی داشته باشد؛ زیرا طولانی شدن روند اقرار منجر به خستگی روحی دو طرف خواهد داشت. هر جلسه اقرار نیز باید سقف زمانی داشته باشد؛ زیرا مدت‌زمان‌های طولانی باعث کاهش دقت دو طرف خواهد شد. فواصل بین جلسات نیز باید سقف زمانی داشته و منتظم باشد؛ زیرا فاصله بیش از حد بین جلسات، باعث فراموشی نکات سابق و منجر به کاهش کیفیت اقرار خواهد شد؛ چنانچه بی‌نظمی فواصل بین جلسات نیز به روند آموزش لطمه می‌زند. زمان‌بندی برگزاری جلسات از طرف ستاد مرکزی صلاح نیست. این کار انعطاف برنامه را از بین برده و آن را دچار فرسایش می‌کند. بهتر است تعیین جلسات و زمان‌بندی آن به عهده طرفین و با توافق آن‌ها، اما به شرط انطباق با ضوابط باشد.

نظارت

نظارت مسأله‌ای مهم و مؤثر در سرنوشت این طرح است. برای رسیدن به کیفیت مطلوب اقرار و تربیت قراء متقن، نظارت دقیق و برنامه‌ریزی شده ضروری است. نظارت باید توسط مرکز اصلی طرح و

تحت نظر کارشناسان انجام شود؛ به نحوی که چندین کارشناس در آن دخیل بوده و ترجیحاً از نظرات یکدیگر آگاه نباشند تا نتایج دقیق تری حاصل شود. اولین مرحله از نظارت، بررسی گزارشاتمی است که مقری و قاری در سامانه ثبت می کنند. مرحله بعد استماع مقاطع تصادفی از اقراء است. همچنین می توان کارشناسانی را سرزده به جلسات اقراء فرستاد تا حضور یافته و آن را ارزیابی کنند و نتایج در گزارش آن ها منعکس شود. مرحله آخر نیز ارزیابی قاری پیش از صدور اجازه است.

لزوم توجه به علوم دیگر

اکثر صاحب نظران اقراء، داشتن صوت و لحن برجسته را در اقراء و اعطای اجازه، مورد توجه قرار نمی دهند؛ چه آن که، از نظر منطقی، اقراء ناظر به اتقان قرائت و صحت و فصاحت آن است، در حالی که صوت و لحن به زیبایی قرائت می پردازد. در اهمیت وقف و ابتدا و تأثیر آن در اقراء، می توان ادعای اجماع کرد. روشن است علم وقف و ابتدا - که کمال یا نقصان معنایی مقاطع قرائت را تعیین می کند - اثر مستقیمی بر اتقان تلاوت دارد و بی شک باید مورد توجه قرار گیرد. توجه به وقف و ابتدا در اقراء در حد تعیین وقوف صحیح مورد نیاز و شناخت وقوف غلط و پرهیز از آن ها است. بالاتر از این سطح و تفصیل انواع وقوف و شناخت آن ها در این جایگاه نمی گنجد.

نبر

روشن است که نبر صحیح کلمات جزئی مهم از قرائت قرآن کریم است. این مسأله باید مانند تجوید در هنگام اقراء مورد توجه قرار گیرد. این تصور که نبر اهمیت چندانی در قرائت ندارد و معیار قرار دادن آن در اقراء و اعطای اجازات ضرورت ندارد؛ معمولاً از نظرات شیوخ اجازات در کشورهای عربی و روش آن ها در اقراء بر گرفته شده است؛ لیکن باید گفت قاریان عرب، بنا بر لهجه و زبان خود، معمولاً مشکلی در ادای نبر صحیح کلمات ندارند و بر همین اساس، احتیاجی به توجه و تذکر چندانی در این موضوع ندارند. اما قاریان غیر عرب زبان، از جمله فارس زبان ها از آنجا که ممکن است کلمات را بر اوزان و پیش فرض های زبانی خود ادا کنند، احتمال خطای بسیاری وجود دارد که توجه به این موضوع را اهمیت می بخشد.

همان طور که پیش تر بیان شد اجرای نبر غلط، ممکن است منجر به دو حالت شود: یا اینکه

کلمه‌ای را به کلمه دیگری تبدیل کند؛ در این حالت، قاری دچار لحن جلی شده است و مقری باید اشتباه او را متذکر شده و حتماً آن را تصحیح کند. اما حالت دیگر آن است که نبر غلط، تنها فصاحت قرائت را خدشه‌دار می‌کند که در این صورت نیز مقری باید اشتباه او را تصحیح کند تا به حد مقبولی از فصاحت برسد؛ ولی در این مرحله، قاری دچار اشکال در صحت قرائت نشده است. در هر حال باید گفت نبر مسأله‌ای است که باید در سیر اقرء و اجازات در کشور ما مورد توجه قرار گیرد و مقرئین آن را به دور از افراط و تفریط مد نظر قرار دهند.

صدور اجازه

شرایط

پس از اتمام اقرء و تأیید قرائت قاری توسط مقری، مرحله صدور اجازه فرا می‌رسد. از نگاه روند نظام‌مند صدور اجازه، می‌توان شرایط اضافه‌تری برای صدور آن تعیین کرد؛ اگرچه اقرء و اجازات سنتی، به همین مقدار بسنده می‌کند. شرایط اضافه، قاری را آماده نگاه می‌دارد و مقری را در انجام وظیفه دقیق‌تر می‌کند. این شرایط براساس نظر متخصصان و صاحب‌نظران می‌تواند ارزیابی مختصری از قرائت باشد که توسط مجموعه‌ای از کارشناسان از جمله شخص مقری، داوری می‌شود. بعضی از قواعد و احکام نظری به صورت کتبی یا شفاهی امتحان می‌شوند. البته این شروط، وسیله سخت‌گیری و فشار برای صدور مجوز نیست؛ بلکه فرایندی برای اطمینان از سطح اتقان قراء است.

اشهار

از سنت‌هایی که پیش از اعطای اجازه به قاری، اجرا می‌شود، سنت اشهار است. اشهار به این معناست که عده‌ای از مسلمانان مقداری از روند اقرء را مشاهده می‌کنند. بعد از آن، اجازه داشتن قاری برای قرائت یا اقرء توسط مقری یا مجیز اعلام می‌شود و این هم در منظر شکل می‌گیرد؛ یعنی اجازه داشتن او را به سمع و نظر مردم می‌رسانند و او را بین عده‌ای از مردم مشهور می‌کنند. این سنت، به نوعی روند اقرء و اعطای اجازه را رسمیت می‌بخشد. قاری مجاز، احساس تکلیف کرده و باری را بر دوش خود حس می‌کند. پس می‌توان سنت اشهار را مفید دانست و آن را جزئی

از مراحل اعطای اجازه به حساب آورد. بعد از اتمام اقرء باحضور مقری، در مقابل عده‌ای از مردم و تعدادی از کارشناسان و ناظران، مقداری از تلاوت انجام گرفته و بعد از اتمام آن، مقری اعلام می‌کند که این فرد بعد از قرائت کل قرآن کریم به فلان روایت و طریق، موفق شد اجازه قرائت یا اقرء را کسب کند. همچنین می‌توان جلسه را با خطبه کوتاهی که قاری و حاضران را به تقوا و اهتمام به کلام الله دعوت می‌کند، همراه کرد. همزمان کارشناسان و ناظران طرح اقرء آن را تایید کرده و بر آن صحه می‌گذارند.

انواع اجازات صادره

اجازه با حفظ یا از روی مصحف

اگر قاری، حافظ کل قرآن باشد و قرآن را در طول اقرء از حفظ بخواند؛ اجازه همراه با قید حفظ بودن به وی اعطا می‌شود؛ اما در صورت خواندن از روی قرآن، قید قرائت از روی قرآن در اجازه ثبت می‌شود. اجازه‌ای که قید حفظ قرآن دارد، دارای اعتبار بیشتری خواهد بود.

اجازه قرائت و اقرء

اجازه صادره می‌تواند از نوع «اجازه اقرء» یا «اجازه قرائت» باشد. در صورتی که استاد، شاگرد خود را در سطح بالایی دید و او را مناسب اقرء دیگران دانست، البته با رعایت شرایط و ضوابط، اجازه اقرء صادر می‌شود. در صورتی که مناسب این کار نبود، مثلاً قرائت صحیحی داشت، اما به سبب ضعف نسبی در اطلاعات نظری صرفاً برای او اجازه قرائت صادر می‌شود.

اجازه روایات و قرائات دیگر

این امکان وجود دارد که مرکز تخصصی اقرء، عهده‌دار اقرء و اجازات در قرائات و روایات دیگر بوده و آن را تنها به متخصصان این عرصه اعطا کند. اما درباره طرق روایت حفص، دو طریق اصلی این روایت تعیین شده و هر یک از قراء می‌تواند در یکی از این طرق، اقرء کرده و اجازه خاص آن را دریافت کند.

دریافت اجازه دوم و اقرء مجدد

ممکن است اصحاب اجازه، تقاضای اجازه مجدد یا تکرار اجازه با هدف دستیابی به اجازه‌ای با ارزش بالاتر (مثلاً از اجازه قرائت به اجازه اقرء) یا دستیابی به اجازه در طریق دیگر یا اجازه‌ای توسط یک مقری دیگر داشته باشند. پذیرش چنین داوطلبانی اگر مانع ورود قاریان جدید نباشد، منعی ندارد.

اما بحث بر سر چگونگی اقرء این افراد است. آیا قاری برای دریافت اجازه در طریق دیگر، باید مجدد کل قرآن را بخواند یا فقط بیان و قرائت موارد اختلاف کافی است. این مساله در اخذ اجازات در روایات متعدد بیشتر مطرح است. راه حل این امر باید توسط هیئت علمی طرح اقرء کشور، تعیین شود. به نظر می‌رسد برای بعضی از موارد، آزمودن موارد اختلافی و امتحاناتی برای ارزیابی سطح قرائت کافی است؛ اما غالباً دریافت اجازه دوم به قرائت مجدد کل قرآن وابسته است.

نتیجه گیری

۱. خاستگاه اقراء، شخص رسول خدا(ص) در آموزش قرآن به صحابه بوده است و پیروی از این سنت دینی در فراگیری قرآن کریم، امری ضروری تلقی می شود و با تمام پیشرفت هایی که در روش های آموزش در عصر حاضر صورت گرفته است، با هیچ چیز قابل تبدیل نمی باشد.
۲. اگرچه اقراء در ایران سابقه ای طولانی دارد؛ اما مهم ترین دوره آن، زمان حضور ابن جزری در ایران در اوایل قرن نهم است.
۳. «اجازه» اذن و رخصتی است که توسط شیخ اجازه به یک قاری، پس از اطمینان از عدالت و اتقان به او داده می شود و به وسیله آن، امکان قرائت و آموزش به دیگران را می یابد. از اسباب ایجاد اجازات، تلاش برای جلوگیری از خلط قرائات، روایت و طرق بوده است.
۴. اقراء و اجازات دارای انواعی هستند بر اساس عرض و سماع، جمع و افراد، شمول طرق، روایات یا قرائات مختلف، یا از حفظ خواندن و عدم حفظ.
۵. اهمّ معایب اقراء و اجازات را می توان این گونه برشمرد: سخت گیری افراطی یا آسان گیری تفریطی؛ تعیین نرخ و دریافت مبالغ برای اقراء و اجازات؛ عدم اتقان بعضی از مقریان؛ تلاش برای دستیابی به جایگاه اجتماعی از طریق تکثیر عدد شاگردان؛ تبدیل اجازه به وسیله ای برای فخر فروشی؛ شرط بودن اجازه برای بعضی مناصب؛ گسترش روایات و قرائات.
۶. اهمّ مزایای این سنت چنین است: همراهی با جامعه قرآنی جهان اسلام؛ تسلط علمی و اتقان عملی اساتید و قراء؛ سازمان دهی اساتید و قراء و حفاظ کشور و سطح بندی آنها؛ التزام به روایات و خصوصاً طرق روایات.
۷. از جمله اقدامات لازم برای این هدف «سیاست گذاری کلی برای اجرای بدون آسیب سنت اقراء» با توجه به رعایت حد اعتدال؛ توجه به مفاهیم آیات؛ ممنوعیت اجتهاد؛

اعتباربخشی به اجازه، به عنوان مدرک مؤثر است.

۸. «تعیین مرکز رسمی به عنوان مجری سنت اقرار و صدور اجازه» اقدامی مهم است که ایجاد رویه واحد کشوری، تعیین روال اجرایی مشخص و نظام تأمین هزینه‌ها، امکان اقرار به صورت مجازی و تعیین قرائت، روایت و طریق مجاز نمونه‌های مهمی از اقدامات آن محسوب می‌شوند.
۹. با تعیین شرایط لازم برای قاری و مقری و تعریف شرایط اقرار از جمله لزوم ختم قرآن، رعایت نظم جلسات اقرار و اجرای نظارت کافی می‌توان سطح اقرار را بالا برد.

كتاب نامه

قرآن كريم

- ابراهيم مصطفى و ديگران، معجم الوسيط، تحقيق مجمع اللغة العربية.
- ابن الجزرى، شمس الدين محمد بن محمد، غايه النهايه فى طبقات القراء، محقق جمال الدين محمد شرف و مجدى فتحى السيد، طنطا، دار الصحابه للتراث، ١٤٢٩ق/٢٠٠٩م.
- _____، منجد المقرئين و مرشد الطالبين، دار الكتب العلمية، ١٤٢٠ق.
- _____، النشر فى القرائات العشر، تحقيق على محمد الضباع، دار الكتب العلمية، بى تا.
- ابن فارس، احمد، مقاييس اللغة، تحقيق عبد السلام محمد هارون، اتحاد الكتب العرب، ١٤٢٣ق.
- ابن مجاهد، ابوبكر احمد بن موسى، السبعة فى القراءات، تحقيق شوقى ضيف، دار المعارف، قاهرة، ١٤٠٠ق.
- احمد عبد الرحيم، السيد، فتنه الأسانيد والاجازات القرآنية فى الرد على واحد ممن دلس فيهما من المعاصرين، دار الصحابه، طنطا، ١٤٣٢ق.
- _____، آفة علو الاسانيد، دار الصحابه، طنطا، الطبعة الاولى، ١٤٣٤ق.
- آل اسماعيل، نبيل بن محمد ابراهيم، علم القراءات، مكتبة التوبة، رياض، ١٤١٩ق.
- بخارى، محمد بن اسماعيل، الصحيح، تحقيق محمد بن زهير بن ناصر، دار طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
- بقله، أيمن، تسهيل علم القراءات، بى جا، ١٤٣٠ق.
- تهانوى، محمد على، كشاف اصطلاحات الفنون، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- الحافظ، محمد مطيع، دور القرآن الكريم بدمشق، دار البيروتى، دمشق، ٢٠١٠م.
- حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، موسسه آل البيت، قم، چاپ سوم، ١٤١٦ق.
- الحمد، غانم قدورى، مقدمه التمهيد فى علم التجويد،
- حملاوى، احمد بن محمد، شذا العرف فى فن الصرف، تحقيق نصر الله عب الرحمن، مكتبة رشد الرياض، بى تا.
- الدخيل، دخيل عبد الله، اقراء القرآن الكريم، معهد الامام الشاطبى، جده، ١٤٢٩ق.
- ذهبى، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، موسسه الرساله، بيروت، ١٤١٤ق.
- سيوطى، جلال الدين، الاتقان فى علوم القرآن، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٣٩٤ق.
- سويد، ايمن رشدى، السلاسل الذهبية بالاسانيد النشريه، دار نور المكتبات، جده السعوديه، ١٤٢٨
- عرباوى، فرغلى سيد، تنبيهات على كتاب شرح الجزرية لخالد الازهرى، مكتبة اولاد الشيخ، جيزه، ٢٠٠٨م.
- عسكري، سيد مرتضى، القرآن الكريم و روايات المدرستين، مجمع العلمى الاسلامى، قم، چاپ دوم، ١٤١٦ق.
- فضلى، عبدالهادى، القراءات القرآنية، مركز الغدير، بيروت، چاپ پنجم، ٢٠١٢م.
- القضاة، احمد مصطفى، العمل فى المراكز القرآنية، جمعية المحافظة على القرآن، أمان، ٢٠٠٥م.
- كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافي، دار الكتب الاسلامية، تهران، ١٤٠٧ق.

- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- مناحی زاده، حسین، اجازة قرائت، سنتی دیرینه در جهان اسلام، شورای عالی قرآن، شماره ۶، ۱۳۹۶ ش.
- مؤسسة المنتدی الاسلامی، المدارس و الکتاتیب القرآنیة، مؤسسة المنتدی الاسلامی، ریاض، ۱۴۱۷ ق.
- نویری، محب الدین، شرح طیبة النشر فی القرائات العشر، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
- الهدهد، حمدی صلاح، مصطلحات علم القراءات فی ضوء علم المصطلح الحدیث، دار البصائر، قاهره، ۲۰۰۸ م.
- عصفور، محمد فهمی، مصاحبه صوتی، ۱۳۹۷ ش.